

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی<sup>۱</sup>  
سال سیزدهم - شماره ششم - شهریور ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۲

سبک‌شناسی دیوان خطی خاوری کوزه‌کنانی (کاشانی) و معرفی نسخ موجود آن  
(ص ۲۸۱-۲۵۹)

نرجس سپهرنژاد<sup>۲</sup>، عبدالرضا مدرس زاده<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)،

عطا محمد رادمنش<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: فروردین ۱۳۹۸

چکیده:

حاج میرزا معصوم خاوری کوزه‌کنانی (کاشانی) شاعر و عالم دینی قرن سیزدهم هجری و از سخنوران، دوره بازگشت ادبی است. آثار منظوم نفیس خطی خاوری سیزده هزار و سیصد و چهل و هفت بیت است که به شیوه شاعران عصر بازگشت سروده شده است که نشان می‌دهد، خاوری شاعرانی چون ابوالعلاء گنجوی، فلکی شروانی، خاقانی، جامی، نظامی و محتشم کاشانی را در سرودن اشعار در نظر داشته است و به نوعی احیا کننده شیوه آنان است. سوال پیش روی مقاله این است که با توجه به تصحیح انتقادی دیوان و کاوش مختصات زبانی و سبکی شعر او بایست نسبت شعری خاوری را با کدام دوره ادب فارسی (خراسانی یا عراقی) در عصر بازگشت بررسی کرد؟ در این مقاله نشان داده ایم که جغرافیای محل زندگی شاعر در آذربایجان و کاشان تأثیری شگرف بر زبان و بیان شاعر داشته است و کلام شاعر متأثر از محیط و اوضاع محل زندگی اوست. استنباط کلی ما این است که خاوری با توجه به شخصیت مذهبی که دارد از شعر و ادب به عنوان ابزار انتقال مفاهیم مورد علاقه و تأکید خویش بهره گرفته است.

**کلمات کلیدی:** خاوری کوزه‌کنانی، سبک‌شناسی، شعر بازگشت ادبی، مختصات سبکی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.  
(n.sepehrnzhad@shu.iaun.ac.ir)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.  
(modareszade@iauk.ac.ir)

۴- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.  
(radmanesh@iaun.ac.ir)

### The Stylistics of the Khavari Kashani's Manuscript and its Existing Versions

Narges Sepehrnejad<sup>1</sup>, Abdolreza Modareszadeh<sup>2</sup> (Corresponding Author), Atta Mohammad Radmanesh<sup>3</sup>

#### Abstract

Haj Mirza Ma'sum Khavari Kozekanani Kashan is the poet and religious scholar of the thirteenth century (AH) and a Scholar of the return period of literature. The poetic works of the poet are thirteen thousand three hundred and forty-seven verses written in the style of the return era poets, showing that the poets of the era, such as Abul-Ali Ganjavi, falaki Sharavani, Khaqani, Jami, Nizami, and Mohtasham Kashani, were considered and revived in the works. The question that arises is that in view of the critical correction of the Divan and the study of the linguistic and stylistic coordinates of his poetry, what period of Persian poetry (Khorasani or Iraqi) should he be examined in? In this article, we have tried to show that the geographical location of the poet and his place of residence in Azerbaijan and Kashan has had a profound effect on the poet's language and expression and that the poet's words are influenced by the atmosphere of his place of residence. Our general understanding is that the Khavari, a religious personality, has used poetry and literature in general as a means of conveying his desired concepts and thoughts.

**Keywords:** Oriental pottery, stylistics, literary recitation, poetry, stylistic coordinates

---

<sup>1</sup> - Student of Persian Language and Literature, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. (Sepehr\_1358\_1383@yahoo.com)

<sup>2</sup> - Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. (modareszade@iauk.ac.ir)

<sup>3</sup> - Professor, Department of Persian Language and Literature, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. (radmanesh@iaun.ac.ir)

#### مقدمه:

بازگشت ادبی دوره ای در تاریخ ادبیات ایران از نیمه دوم قرن دوازدهم تا پیدایش ادبیات مشروطه در اوائل قرن چهاردهم است. به احتمال قوی تعبیر بازگشت را نخستین بار استاد ملک الشعرای بهار بکار برده است.

دوره بازگشت ادبی به دلایل سیاسی و اجتماعی، ادبی، اقتصادی و ... و به تبع آن مسائل فرهنگی و ادبی در طول نیم قرن، اصولاً پایه هایی را برای خود بنا نهاد که در دوره قاجار به صورتی هدفدار و منسجم ادامه حیات داد. زبان شعر این دوره تقلیدی از شعر سبک عراقی و خراسانی بود.

رسم گویندگان این عصر از لحاظ ذوق هنرپردازی تقلید از اعظم متقدمین است به فرق این که به جای معانی اشعار عبارات متکلفه اغراق آمیز گذاشته آمده است.

موضوع شعر رایج این دوره «مدح و ستایش» بود. زیرا پادشاهان قاجار به جز آقامحمدخان، همگی به علم و ادب توجه و علاقه ای خاص داشتند. بویژه خاقان (فتحعلی شاه) که هم با فرهنگ و تاریخ ایران آشنایی داشت و خود نیز شاعری توانا و ناقد و نکته سنج بود و چنانکه میدانیم دربار او متشکل از شاعران و ستاینندگان هنر بود و حتی شاه خود نیز شعر میسرود و «خاقان» تخلص میکرد و انجمن خاقان را تشکیل داده بود. علیرغم اشعار مدحی در این دوره، اشعار انتقادی نیز بویژه انتقاد از وضعیت اجتماعی در اواخر دوره قاجار دیده میشود، که البته میباید آنها را طلوعه دوره بیداری دانست که منجر به انقلاب مشروطه شد.

«انجمن خاقان» از یک سو وارث تجربه های دو انجمن مشتاق و نشاط بود و اعضای آن شاعران و ادیبان کارآموده آشنا به دقایق شعر قدیم بودند و از سوی دیگر به سبب ارتباط آن با دربار فتحعلی شاه که به شیوه دربار سلطان محمود غزنوی و سنجر سلجوقی نظام یافته بود و شاعران را مینواخت و بدانها صله میداد شاعران بسیاری را به امید گرفتن صله و لقب به خود خواند که محور همه آنها ملک الشعرا صبا کاشانی بود.

**شیوه پژوهش:** در این پژوهش از شیوه توصیفی، تحلیلی و انتقادی استفاده شده است.

#### جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق:

در مقاله حاضر، ضمن اعلام کار تصحیح دیوان خاوری کوزه کنانی و معرفی نسخ موجود آن، به بررسی مختصات سبکی آثار وی پرداخته ایم و نسبت شعر وی را با شعرای قبل از او سنجیده ایم و نشان داده ایم که تغییر جغرافیای سکونت شاعر بر زبان شعری او تاثیر بسزایی داشته است.

**پیشینه پژوهش:**

متأسفانه نسخه خطی آثار خاوری تاکنون به زینت طبع آراسته نشده است و هیچ مقاله یا پژوهش جامعی که به همه جوانب مختلف سبکی و بلاغی این اثر بپردازد وجود ندارد. شایان ذکر است بیشتر تذکره نویسان از ثمر نائینی تذکره نویس معاصر خاوری کوزه کنانی تا به امروز به اشاراتی در مورد زندگی خاوری پرداخته اند و برخی ابیات وی را ذکر کرده اند. که با این وجود پاسخوی پژوهشگران درباره شعر و شاعری و جایگاه خاوری کوزه کنانی در ادبیات فارسی نیست.

حتی گاهی دیده می شود آثار ایشان و نوه دختری ایشان حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد فخرالواعظین خاوری کاشانی جابه جا در برخی پژوهش ها آمده است. نکته قابل توجه این که استاد ملک الشعراى بهار ضمن خطاب خود درباره سبک شعر و شعرا که در انجمن ادبی ایران ایراد کرد در مورد سبک شعری خاوری کوزه کنانی چنین گفته است: «سبک شعر خاوری کوزه کنانی را میگویند پخته و ساده است به سبک ابوالعلاى گنجوى و فلکى شروانى شعر گفته است» (مجله ادبی ارمغان، بهار، س ۱۳، ص ۷۴۹).

**از جمله مقالات در مورد خاوری کوزه کنانی:**

- ۱- ایرج افشار، یوسف و زلیخای خاوری یا احسن القصص، مجله دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی تبریز، تابستان ۱۳۴۲، شماره ۶۹، ص ۲۵۷-۲۶۰.
- ۲- دوات آبادی، عزیز، سخنوران ارونق و انزاب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، پاییز ۱۳۴۶، شماره ۸۳، ص ۳۲۱-۳۲۴.
- ۳- میرزا محمدصادق مروزی، در مسند وقایع نگاری، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، بهار ۱۳۸۴، شماره ۵۳، ص ۶۱-۸۲.
- ۴- نادره جلالی، شایسته ها و بایسته های نشر (رسالات محمد میرزا قاجار)، آئینه میراث، بهار ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۱۱۵-۱۱۸.
- ۶- ابوالفتح حکیمیان، شاهزادگان سخن پرداز ایران، مجله هنر و مردم، اسفند ۱۳۵۳، شماره ۱۴۹، ص ۹-۱۹.
- ۵- حسن عاطفی، فر جوانی گرفت طفل رضیع بهار، مجله حافظ، نیمه دوم اسفند ۱۳۸۴، شماره ۲۶، ص ۱۶-۱۷.
- ۷- احمد نیکوهمت، خاندان خاوری، مجله وحید، نیمه دوم شهریور و نیمه اول مهر ۱۳۵۷، شماره ۲۴۰ و ۲۴۱، ص ۷۵-۸۰.

**معرفی نسخه های خطی دیوان (مجموعه) خاوری کوزه کنانی :**

**الف)** نسخه آستان قدس رضوی که به شماره ۱۰۳۶۹ ثبت شده است و در تاریخ

مرداد ۱۳۶۹ خریداری شده است، که مشتمل بر آثار منظوم خاوری و به شرح زیر می باشد: مثنوی تحفه الحرمین - مثنوی احسن القصص (یوسف و زلیخا) - مثنوی نصیحه النظام - حکایات (مانند بوستان) ۵- قصاید و غزلیات و قطعات - ترکیب بند عاشورایی و ترکیب بند در صفت دار الخلافه و سطوت سپاهی - مرثی - رباعیات - هجا. نستعلیق ۱۶ سطر، به تاریخ کتابت اواخر سده سیزدهم و اوائل ۱۴هـ. ق، کاتب نامعلوم، کاغذشکری، عناوین به شنگرف، دارای کمنده، جداول اوراق به اکیلیل تحریر دار و لاجورد، ۲۴۷ گ، 21 × 14/5 س.م. جلد روغنی مرقش مستعمل، برون دارای سرترنج، حاشیه گل و بوته، درون گل زنبق در زمینه لاکه که از بین رفته است، این نسخه در دیوان (آ) نامیده شده است. نسخه دیوان تنها نسخه نفیس و منحصر به فرد خاوری کوزه کنانی است و توضیحات فهرست این نسخه در کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مجلس شورای اسلامی یکی از دلایل و اسناد معتبر برای رد این کتاب از خاوری شیرازی است، و ناظم این منظومه احسن القصص حاج میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی است که البته قابل اعتنا می باشد.

ب) نسخه احسن القصص = یوسف و زلیخا، مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۱۸۶ ثبت شده است.

ج) نسخه احسن القصص = یوسف و زلیخا، کتابخانه ملک به شماره ۴۸۲۵ ثبت شده است. این نسخه در دیوان (مل) نامیده شده است. به خط اسماعیل بن محمد ابراهیم، نستعلیق، سال ۱۲۴۲ قرن ۱۳ ه. ق، جلد میشن تریاکی، کاغذ فستقی ۱۵ سطر ابعاد 208 × 14/5 از ابتدا افتادگی دارد.

آغاز: چو در هستی به عالم در گشودند / به این دام حوادث پر گشودند

\* در شماره بیتهای (آ) بیانگر نسخه خطی آستان قدس؛ (اج) بیانگر نسخه کامل احسن القصص مجلس شورای اسلامی، ناگفته نماند که در تصحیح این مجموعه خطی (دیوان خاوری کوزه کنانی) این مثنوی احسن القصص به طور کامل و همراه با مقابله دیگر نسخه های این مثنوی آمده است.

۱- این مثنوی در فهرست مجلس، ج ۸، ص ۴۷۰، به میرزا فضل الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی نسبت داده شده است که به علت ناقص الطرفین بودن نسخه می باشد و این اشتباه به فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۴ ص ۳۳۴۱ نیز راه پیدا کرده است... (فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، فاضل هاشمی: جلد ۱۷: ص ۱۷۹)

۲- در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی بخش کتابهای اهدایی سید محمد صادق طباطبایی ذیل معرفی مهر خاوری از خاوری کوزه کنانی در مورد همین کتاب مثنوی احسن القصص نیز توضیحاتی داده شده است که این کتاب احسن القصص متعلق به خاوری کوزه کنانی است. (ص ۵۲-۵۳)

۵) مجموعه خطی خاوری کوزه کنانی متعلق به کتابخانه شخصی آقای افشین عاطفی (کتابخانه کاشان شناسی به یاد مرحوم آیت الله العظمی غروی (ره)) که شامل دو مثنوی تحفه الحرمین و احسن القصص است. آغاز: با مثنوی تحفه الحرمین که این بخش از آخر افتادگی دارد و بخش دوم مثنوی احسن القصص (یوسف و زلیخا) از اول افتادگی دارد. بیت آغاز: به مهر آید چو آن گلبرگ خندان به تهمت جای دادندش به زندان. جلد چرمی قهوه ای کاتب اسماعیل بن محمد ابراهیم تاریخ پنجشنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۴۲ خط نستعلیق با عناوین شنکرف، این نسخه در دیوان نامیده (ع) شده است و در بخش تصحیح تحفه الحرمین به عنوان نسخه اساس مورد استفاده قرار گرفته است. این مجموعه خطی که در کاشان میباشد و ابتدا متعلق به کتابخانه دکتر بهنیا بود و آقای افشین عاطفی آن را برای کتابخانه کاشان شناسی خریداری کردند و این مجموعه خطی سند معتبر و ارزشمند دیگری برای اثبات کتاب احسن القصص به نام خاوری کوزه کنانی است و از سرمایه های مهم ادبی است که کمک شایانی برای نگارنده در تصحیح دیوان بود. نکته دیگر این که کاتب این مجموعه با کاتب احسن القصص که متعلق به کتابخانه ملک است یکی است و سال کتابت هر دو نسخه یکی است. و این خود نیز یکی دیگر از دلایلی است که ناظم احسن القصص (یوسف و زلیخا) حاج میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی است.

**آثار و احوال خاوری کوزه کنانی:** حاج میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی (کاشانی) از دانشمندان، شاعران آیینی و مذهبی و «از عرفای برجسته قرن سیزدهم هجری و از مفسران، مفاخر، سخنوران و سخن سنجان برگزیده آذربایجان است. وی از اعیان قریه کوزه کنان، از توابع تبریز است.» (دانشمندان آذربایجان، تربیت: ص ۱۴۳)

«خاوری از عرفای روزگار و از سالکان طریقت بود که بر مسالک سلوک واقف و از مصاحبان اهل معارف میباشد.» (ریاض العارفین، هدایت: ص ۲۵۹-۲۵۸).

«سلسله نسبش منتهی به قدوه المحققین شمس الحق تبریزی» است. (تذکره اختر، گرجی نژاد: ۶۳)

او مردی بسیار سخن سنج که از «علوم رسمی استحضاری وافی و از رسوم سخنوری استبصاری کافی، در نظم و نثر قادر، و در این دو فن شریف ماهر، دراری منظومه اش،

۱- تلاش شده تا در تصحیح و نقد مجموعه نفیس خطی (دیوان) علاوه بر دیگر اشعار دیوان، این مثنوی به طور کامل و مفصل و با عنایت به مقابله چند نسخه خطی بازمانده از این مثنوی خاوری کوزه کنانی که یکی از آنها نزد حامیان نسخه خطی کاشان استاد عباس بهنیا و استاد حسن عاطفی که هر دو بزرگوار از مدرسان دانشگاه آزاد اسلامی کاشان هستند، تکمیل و تصحیح گردد.

غیرت عقد پروین و لالی منوره‌اش رشک در ثمین» است. (تذکره اختر، گرجی نژاد: ص ۶۳).

خاوری در اوان جوانی علوم ادبی و رسوم عربی را تحصیل کرد و پس از کسب معارف و کمالات هوس خاک بوسی زیارت ثامن الائمه -علی بن موسی الرضا(ع)- میکند و پس از زیارت آن مرقد مطهر به عزم تجارت و سیاحت به نواحی مرکزی ایران سفر می‌کند چنان که «خاک دارالمومنین کاشان دامنش را در تصرف» می‌آورد. (سفینه‌المحمود، قاجار: ص ۲/۶۹۵)

خاوری کوزه کنانی در کاشان، که دیار ادبا و فضلا بود به واسطه ذوق ادبی که داشته به عضویت محفل ادبی صبا پذیرفته میشود.

«نظر به اشتراک صنعت و حسن احوال» و «نظر به رتبه کمال و سلامت حال» «مقبول خاطر استاد فن و یگانه زمن فتحعلی خان صبا ملک الشعرا» قرار می‌گیرد. (نگارستان دارا، دنبلی: ص ۱۹۰-۱/۱۹۱)

شاعر پرآوازه آن روزگار - فتحعلی خان صبای کاشانی - به سبب علاقه وافری که به خاوری کوزه کنانی داشت یکی از برادرزادگان خود را به حبالة نکاح او در آورد و قرین مباحثاتش نمود که ثمره این ازدواج دختری بود که بعدها همسر علامه سید هاشم واعظ گردید که مادر سید احمد فخرالواعظین خاوری کاشانی است. سید احمد فخرالواعظین خاوری کاشانی نوه دختری خاوری کوزه کنانی است. به طوری که بعدها خاوری کاشانی نیز تخلص خود را از جدّ بزرگوارش خاوری کوزه کنانی اقتباس کرده است. خاوری کوزه کنانی در اواسط عمر بنا بر استطاعت مالی توفیق طواف کعبه معظمه را مییابد به قصد زیارت بیت الله الحرام و مدینه منوره از راه عراق به سرزمین عتبات عالیات و بعد حجاز سفر می‌کند. آثار خاوری کوزه کنانی: مثنوی احسن القصص (یوسف و زلیخا) - مثنوی تحفه الحرمین - مثنوی نصیحه النظام - قصاید و غزلیات - ترکیب‌بند - رباعیات.

آرامگاه خاوری کوزه کنانی در قبرستان پنجه شاه (گذر آقا رحیم کاشان) است که متأسفانه به جهت تسطیح قبرستان تخریب شده است. آرامگاه خاوری کاشانی نیز در ایوان آیینه کاری زیارت حضرت هارون بن موسی بن جعفر(ع) (پنجه‌شاه کاشان) واقع شده است.

سبک شناسی دیوان خاوری کوزه کنانی (کاشانی): میرزا معصوم خاوری شاعری توانا که در انواع فنون سخن طبع آزمایی کرده است. اشعار وی از نظر زبانی اگرچه طبق

قواعد نحوی و زبانی سده سیزده (دوره بازگشت ادبی) بوده ولی به سان همه شاعران این دوره که کارشان تقلید از قدما بوده است اشارات سبکی او نیز گاهی به همین شکل است. آثارش به لحاظ زبانی از مختصات سبک خراسانی و به لحاظ معنایی و فکری از مختصات سبک عراقی و شیوه آذربایجانی تأثیر و تأثر پذیرفته است.

شایان ذکر است با انس با آثار مخطوط توانسته ایم ویژگی‌های سبکی دیوان او را در سه سطح زبانی-ادبی-فکری مورد بررسی و پژوهش قرار داده ایم و نتایج مطلوب آن را در این موجز ذکر نماییم.

**۱- سطح زبانی:** مهاجرت خاوری در اوان جوانی از آذربایجان به کاشان نشان از وجود مکتب ادبی مستقل به نام مکتب ادبی کاشان دارد که او را به خود جذب کرده است و در شکل‌گیری شعر او اثربخش بوده است. در این بخش بیشتر به واژه‌هایی که در دیوان مربوط به کاشان می‌باشد پرداخته ایم.

#### ۱-۱- سطح آوایی (موسیقایی):

**۱-۱-۱- موسیقی بیرونی (وزن):** عوامل اجتماعی-سیاسی و محیطی بر روحیه شاعر تأثیرات به‌سزایی داشته است و باعث شده است که در مثنوی‌هایش از وزن‌های شاد و ضربی استفاده کند. قصایدش و قطعاتش اکثراً بر وزن مفاعله‌ن مفاعله‌ن فاعله‌ن است و غزلیات او بیشتر بر وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعله‌ن است.

**۱-۱-۲- موسیقی کناری (ردیف و قافیه):** ردیف‌ها در شعر مفرد و مرکب و گاهی جملات بسیار کوتاه هستند. وی به سان دیگر شعرای عصر بازگشت از ردیف‌های ساده استفاده کرده است و در یکی دو قصیده از قوافی دشوار مانند: مدغم، معلّم، عقد پرن، عنیفه، منیفه و... استفاده کرده است. قافیه‌ها بیشتر اسمی هستند و قافیه اکثر قطعه‌ها فعلی است.

#### ۱-۲- موسیقی درونی:

**۱-۲-۱- تکرار کلمه:** خاوری بیشتر تکرارهایش را در یکی دو واژه اول بیت‌های پشت سرهم می‌آورد البته هرچند تکرار کلام ملال‌آور است اما او تکرارهایش را به جهت تأکید و توجه بیشتر آورده است که به موسیقایی کردن شعرش می‌افزاید. که این یا به دلیل تأکید است یا به جهت مفاخره.

۱- ن. ک. مقاله "نگاهی به سبک شعری شعرای آذربایجانی عهد قاجاریه با اتکا به تذکره بهجت الشعراء، مجد، ص: ۱-۱۹



به طور مثال خاوری در صد بیت مورد نظر ۷ مورد معادل "منم" را در اول بیتها یا مصراعها پشت سر هم میآورد و در قسمت مناظره ۱۴ مورد گفتا در اول آمده است  
منم دیوانه رویت زلیخا      منم آواره کویت زلیخا (ص ۳۲۴)

**-تخفیف واژه:**

بلی چون میوه بیند گسنه بر شاخ      شود بر چیدن آن میوه گستاخ (ص ۲۱۸)

**گسنه به جای گرسنه:**

در عین حال این واژه ابدال نیز دارد که در زبان عامیانه گسنه نیز کاربرد دارد، در کاشان نیز گسنه را در جای گرسنه بسیار استعمال می کنند.

**۲-سطح لغوی:** از ویژگیهای شعر خاوری بسان خاقانی و نظامی ساختن ترکیبات بدیع است. خاوری برای برجسته سازی مصراع یا بیتی یک ترکیب را در جای معنی وسیع میآورد. کمتر بیتی را میتوان یافت که ترکیبات و برخی ابداعات شعری او در آن دیده نشود. مانند ترکیباتی با سنج، بذله، معصوم، افسانه و افسون، اعظم، فرزانه ایجاز کلام خاوری بسیار زیباست. واژه های عربی در شعر او از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به طور مثال: ضیاط حجال، محبوب لاریب، فصل الخطاب، ام الکتاب همچنین استعمال لغات ترکی مانند همتلی (پرخوری) که البته انگشت شمار است و این به جهت ترک زبان بودن شاعر که بعد از مهاجرت لغات و اصطلاحات کاشانی در شعر او بیشتر دیده میشود. همچنین اصطلاحات فرهنگ مسیحی که خاوری با عنایت به شعر شاعران آذربایجان خاقانی و مجیرالدین بیلقانی از لغاتی که تلمیح به آیین مسیحیت و ترسایان دارد بسیار استفاده کرده است و چنانکه میدانیم این واژه ها در شعر شاعران منطقه اران جایگاه ویژه و منحصر به فردی دارد و از دلایل عمده آن که قابل ذکر میباشد، چنین است:

۱- موقعیت جغرافیایی اران (آذربایجان) و همسایگی با مناطق مسیحی نشین.

۲- غیرمسلمان بودن مادر خاقانی و مجیرالدین بیلقانی.

۳- سفر به مناطق مسیحی نشین

از دم روح القدس یعنی کز انفاس ربیع      مریم گلین شود بر عیسی گل باردار  
(ص ۱۸۰)

اصرار بر خلاف بودن این کار که شاعر مداح رسول الله (ص) است ولی از عیسی (ع) و مریم (س) حرف زده است. چنان که در اوج اعتقاد خالصانه به اسلام و پیامبر (ص) از آیین مسیح سخن میگوید. (از سیستان تا تهران، سبک شناسی شعر فارسی "بخش خاقانی"، مدرس زاده: ص ۱۰۰)

واژه های مرکب: اسم اعظم<sup>۱</sup>، فرزانه آفرزند، بذله سنج و..

چو اسم اعظم او را بود در یاد      گهر بار از مژه بر سجده افتاد (ص ۳۲۶)

ب) واژه های اشتقاقی: سالخورد و خردسال، افسانه خوان، مهر خاور و.....

۳- سطح نحوی: برجسته ترین ویژگی نحوی در شعر خاوری که کاملاً مشهود است کاربرد افعال دعایی و کاربرد افعال کهن و همچنین کاربرد "می" در آخر فعل، فعل در وجه مصدری، مقدم داشتن "می" بر "نون" نفی و.....

کاربرد لغت و اصطلاحات کاشانی:

خاوری کوزه کنانی (کاشانی) چنان دلبسته و شیفته کاشان که دیار ادبا و فضلا بوده است، میگردد که در اشعارش نیز این دلبستگی را نشان میدهد و تحت تاثیر محیط کاشان قرار میگیرد و در لابه لا و گوشه گوشه اشعارش چاشنی های زیبایی از لهجه شیرین کاشانی را متذکر میشود و این میتواند نشانگر سه نکته باشد:

۱- ماندگار شدن لغات کاشانی در اشعار او

۲- انس با محیط ادبی و فضای فرهنگی کاشان و مانوس شدن با لهجه کاشانی

۳- درصد لغات و اصطلاحات کاشانی در شعر او بیش از کلمات آذری خود را نشان میدهد که نشانگر پذیرفتن این شهر به عنوان وطن دوم از سوی شاعر است و او را الحق می توان شاعری کاشانی محسوب کرد. به یاد داشته باشیم که شاعر پس از اقامت در کاشان به آذربایجان بازنگشته است که لهجه کاشی را فراموش کرده باشد. او تا آخر عمر در کاشان میماند و هر روز بیش از قبل متأثر از این لهجه و فرهنگ بومی کاشان میشود.

پاکار: هر پاکاری آبه دستگاهی      نازان چو به ملک خویش شاهی (ص ۲۴۱)

(پاکار: از اصطلاحات شغلی شعربافی در کاشان است.)

شعربافی: از مشاغل صنعتی

صنفی به شعار شعربافی      شعرای هنر به موشکافی (ص ۲۴۱)

۱- خاقانی: سلطان اعظم آن به تیغ بنفشه فام      اندر دل مخالف دین شد بنفشه کار (دیوان، ص ۹۱)

۲- نظامی: به شیرین گفت کای فرزانه فرزند      نه بر من بر همه خوبان خداوند (خسرو و شیرین، ص ۷۷)

۳- اتفاقاً خاوری کوزه کنانی، کتابی نیز به نام مهر خاوری دارد که نگارنده (سپهرنژاد) آن را تصحیح نموده است. نرجس سپهرنژاد نواده مرحومین حاج میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی و حجت الاسلام سید احمد فخر الواعظین خاوری کاشانی که هر دو از شعرای قرن سیزدهم هجری میباشند.

۴- پاکار: الف) صاحب کار شعربافی که چند بافنده زیر دستش کار میکردند. ب) پارچه ای که پایین دستگاه قالی بافی میبستند و کرکهای قیچی شده قالی در آن میریخت و برای داخل رختخواب و متکا استفاده میکردند. ج) اصطلاح شعربافی که یکی از مشاغل سنتی کاشان بود و اکنون هم احیا شده است.

**تقاص:** نوعی عقوبت پس دادن

به خود گفتیم گرگی بر کف آریم      به کف بهر تقاص او را سپاریم  
(ص ۱۳۷)

حالی به حالی: دل از درد حالی به حالی شدن: اصطلاح کاشانی است.  
دل از دردش شدی حالی به حالی      به حسب حال خود گفتی مقالی (ص ۲)  
**أشتلم:** زور گفتن به کسی

به او حیرت بدان سان أشتلم کرد      که خود را در میان چون ذره گم کرد  
(ص ۱۸۱)

**گوش بر آیه بودن:** رسید آخر ز هر یک پایه پایه / حدیث رنج او بر گوش و آیه (ص ۲۰۶)

گوش بر آیه بودن: در کاشان میگویند "فلانی گوشش به آیه هست": یعنی ۱- حواسش جمع حرف زدن ما هست ۲- میفهمد و خودش را به راه دیگر میزند-۳- دو نفر که گفتگو میکنند مخصوصا جوری حرف میزنند که نفر سوم بفهمد و گوشزدی به طرف بشود.  
**جوابی یا ثوابی:** خموشی تا به کی آخر جوابی      خدا را یا جوابی یا ثوابی (ص ۲۲۴)  
جوابی یا ثوابی: یا جوابم را بده یا خیالم را راحت کن و جزایم کن، ثواب این جا معنی منفی دارد.

**غیظ و غضب:** گره زد بر جبین و چین بر ابرو      به صد غیظ و غضب پیچد از او رو (ص ۲۴۴)  
در کاشان غیظ و نغضب و غیظ و غضب بسیار کاربرد دارد و به هر دو شکل میآید.  
یعنی خشم به همراه چهره درهم کشیدن و اوج عصبانیت.

**گیسو بریده (گیس بریده):** زن بی حیا

که ای تر دامن گیسو بریده      به زشتی دامن عصمت دریده (ص ۲۴۶)

**رونما:** هدیه

نه لایق بود جز جان رو نمایش      از آن کردند جمعی جان فدایش (ص ۲۵۶)  
**پانداز:** به پانداز در هر رهگذارش      بر آن شد هر که سازد جان نثارش (ص ۴۰۵)  
(پانداز: هدیه ای که داماد برای عروس هنگام ورود به خانه بخت میدهد.)

**مُشک (مشک تر-مشک طرا- طرا مشیر):** گیاه کاکوتی

بروید مُشک تر ابر جای کافور      شود ماتم سرایم حجله سور (ص ۳۲۵)

۱- نگارنده (سپهرنژاد): مشک تر یا کاکوتی که بوی پونه و نعنای میدهد، بر سر بوته سه تا پنج سانتیش گل‌های معطرریز بنفش دارد، در قدیم آن را در دوغ و ماست کیسه میریختند تا خوش طعم شود و برخی آن

مُشک که همان کاکوتی است و در نواحی کوهستانی اطراف کاشان (بَرزُک -قصر و دَرّه) به صورت خودرو و وحشی می‌روید.

**شتر زمبولک خونه!** این اصطلاح و ضرب المثل نادر در کاشان یادداشت برداری شده که به افراد موذی و پر سر و صدا می‌گویند.

با توجه به دوره زندگی شاعر که جنگ ایران و روس بوده است و شاهان قاجار از زنبوره‌ها یا زنبورک‌ها (شترهای جنگی) استفاده می‌کردند و توپها را بر کوهان شتران می‌بستند و برای رزمایش و جنگ آماده می‌کردند. واژه زنبوره - زنبورک زنبوره خیز از واژه های خاص دیوان نیز هست. او در شعر به بختی زنبوره کش را می‌آورد.

بختی زنبوره زنبوره خیز      بر سر گیتی شده زنبوره ریز (ص-۳)

شتر زمبولک خونه: این ضرب المثل نادر در کاشان یادداشت برداری شده که به افراد موذی و پر سر و صدا می‌گویند.

**شکافتن:** اگر درز لباس پاره شود در کاشان فعل "شکافت" را به کار می‌برند.

تو نیز امروز در دامن شکافی      به من کردی ز بی تابی تلافی (ص-۳۲۸)

**آنگله:** دکمه، تکمه (دکمه‌هایی که با نخ درست می‌شود)<sup>۲</sup>

را با نان و پنیر نیز میل می‌کنند. الان هم پودر آن به صورت صنعتی و عرق آن جهت درمان کاربرد دارد. این گیاه به قرینه رویدن و کافور که از گیاه است کاملاً این معنی صدق میکند و با مشک نافع آهو متفاوت است. در فرهنگ معین نیز ذیل مشک تنها به مشک چوپان که نوع دیگری است اشارتی کرده است. (ص-۴۱۴۸-۴۱۴۹) اما به کاکوتی اشاره نکرده است. شایان ذکر که گیاه مشک تر (کاکوتی) از تیره نعنائیان است. اصولاً در شاهنامه هر جا مشک نافع به کار رفته است قرینه‌هایی مانند سیاه - قیر - ساییدن - تیره - نافع - عبیر در کنارش آمده است اما هر بار از این نوع مشک گیاه گفته است قرینه‌هایی مانند کافور - زعفران - خاک - رویدن - گل و... به کار برده است. در فرهنگ دهخدا نیز این گیاه را به کاکوتی در لهجه خراسانی معنی کرده است. اما مثال شعری نیاورده است.<sup>۱۰</sup> (دهخدا، ذیل مشک طرامشیر)

فردوسی: بگسترد کافور بر جای مشک - گل و ارغوان شد به پالیز خشک (شاهنامه-۴۴۸)

فردوسی: پر از مشک و کافور و پر زعفران همه پیش بردند فرمانبران (شاهنامه-۳۷)

عثمان مختاری: چه سحرهاست که آن نرگس دژم دارد چه لعبهاست که آن مشک گل سپر دارد (دیوان-۵۴)

این بیت عثمان مختاری نیز دقیقاً به همین مشک اشاره دارد زیرا در بالای بوته گل دارد.

<sup>۱</sup>-همان، این ضرب المثل را از کهن سالان خاندان خویش شنیده بود و یادداشت برداری کرده است و در کتاب لغات و ضرب المثل‌های کاشانی نیز نیست. فقط تنها واژه (زمبول : زنبور) در ص ۵۲ این کتاب، نوشته آقای حسن عاطفی آمده است.

<sup>۲</sup>-آنگله: دکمه‌هایی که با دست درست می‌کنند و با نخ می‌تابند...". (در کاشان به حلقه یا مادگی این نوع دکمه الِمک یا عِلِمک می‌گویند و در گویش کاشانی کاربرد دارد و جایی شکل نوشتاری آن دیده نشد. (به نقل از آقای حسن عاطفی) )

انگله و گوی چو مغز است و پوست هر دو برآورده سر از جیب اوست (ص ۱۱)  
**۴- سطح ادبی:** بطور کلی خاوری را میتوان پلی ارتباطی میان شاعران خراسانی و آذربایجانی و کاشانی دانست. چنانکه میدانیم «شعر آذربایجانی» نیز بر پایه شعر خراسانی قرن ششم است اما ارزشهای ادبی فکری آن به مقدار زیادی با آنچه در خراسان بود متفاوت و دیگرگون است بگونه ای که برخی را تشویق کرده است شعر آذربایجانی را سبکی مستقل قلمداد کنند. (از سیستان تا تهران، سبک‌شناسی شعر فارسی، مدرس زاده: ص ۹۴)

هنر خاوری در سرودن اشعارش رعایت مقتضای حال است. کلام او دارای بلاغت و فصاحت است. ظرافتهای بلاغی و هنرمندی هاو تخیلات ذهنی شاعر باعث شده تا جزر و مدهای لفظ و معنا را در سرتاسر اشعارش به صورت کاملاً هنری و همراه با تصویر سازی‌هایی بی نظیر بکار رود. او در پرداختن به داستانهایش به تناسب شخصیتهای داستانی خود سخن میگوید. آوردن نکات ارزنده و تلمیح‌هایی چشم‌نواز او که با لطافتها و ظرافتهای ادبی و صورتهای خیالی درآمیخته، به آثار خویش رنگ و بویی تازه بخشیده است. در این مقاله نیز به جهت رعایت اختصار با نشان دادن آماری، از آرایه‌های ادبی در صد بیت این داستان توانسته ایم به بررسی سطح ادبی بطور درصدی در دیوان دست یابیم. خاوری با بکارگیری آرایه‌های ادبی و با ساختن تصاویر بلاغی و بدیعی هنر آفرینی میکند و سرودن اشعارش نگارگری میکند. طوطی طبع او در داستانهایش شکرخا میشود. او میکوشد ضمن بیان داستان، ظرایف دانش و بینش خود را با عنایت به صناعات ادبی به جلوه آورد.

#### ۴-۱- بیان

ذهن، زبان و کلک خیال انگیز و تصویر ساز خاوری کوزه کنانی سرشار از زیباییهای علم بلاغت و صنایع بدیعی است او انواع آرایه‌های علم بیان را به کار برده است که به صورت آماری نشان داده ایم.

صنایع بلاغی	بسآمد شمار	درصد فراوانی
تشبیه	۱۵	۲۱/۱۲
استعاره	۲۰	۲/۸۱
کنایه	۳۶	۵/۰۷

تشبیه: ۱۵ مورد معادل ۲۱/۱۲ درصد

خاوری با عنایت به این که در سرودن مثنوی‌هایش به استقبال نظامی و جامی رفته است، لذا در تصویرگری و تشبیه سازی بسیار هنرمندانه عمل کرده است. اکثر تشبیهات یا مرکب و یا اضافه تشبیهی (بلیغ) است و زیباترین این تصویرها و میناتورهای تشبیهی را در سرودن مثنوی احسن القصص (یوسف و زلیخا) و همچنین قصایدش به کار برده است.

رخی مهر فروزان بندهٔ او	قدی سرو جنان شرمندهٔ او (ص ۳۲۶)
چو گل نازک تنش در هفت پرده	چو حوران جنان هر هفت کرده (همان)
نمایان از پس او لعل خندان	چو مروارید تر دو رشته دندان (همان)
لب و دندان که مرجان را بود قوت	بلا کان لؤلؤ درج یاقوت (همان)
دو مشکین طره در عنبر فشانی	به نسرين کرده سنبل سایه بانی (همان)
دو لب خون در دل یاقوت کرده	تمنا لعل از آن یاقوت کرده (همان)
بنامیزد رخی چون گل شکفته	دو آهو بره اش در لاله خفته (همان)
شد از تاثیر عشق بی محابا	زلیخا یوسف و یوسف، زلیخا (ص ۳۲۸)

**نمونه های دیگر:**

اضافه های تشبیهی که شاعر به کار برده است مانند: شاهد دولت (ص ۳۲۴)، کان مروّت (همان)، مُهر غم (همان)، تخت حُسن (ص ۳۲۶)، لَوای طاقت (ص ۳۲۶)، بزم غیب (ص ۳۲۸)، ....

**استعاره: حدود ۲۰ مورد معادل ۲/۸۱**

خاوری همواره سعی دارد با خلاقیت شاعرانه، عاریتهایی زیبا برای لغات ساده بیافریند با استعاره های تازه کلامی بیافریند که عناصر ملموس و ذهنی هر دو در آن خیل باشد و در شعر با انواع استعاره جاندار پنداری نماید.

زلیخا را چو زان غمخانه بردند	به ضباط حجال شه سپردند (ص ۳۲۴)
عصا کوبان درآمد پیر زالی	ضعیف از ناله اش پیکر چو نالی (همان)
هلال آسا نزاری قد خمیده	روان بر عارضش جویی ز دیده (همان)
بگفتا نرگست شد از چه در خواب	بگفتا خواب وی را برد سیلاب (همان)
شود قامت به رعنائی چو سروم	به سروت آشیان بندد تذروم (ص ۳۲۶)
مکلکل افسری بر سر نهاده	دو مشکین طره اش بر پا فتاده (ص ۳۲۶)
دو رخشان گوهرش آویزه گوش	رعونت مهر و مه را دوش بر دوش (همان)
بروید مشک تر بر جای کافور	شود ماتم سرایم حجله سور (همان)
درآید طره مشکین بتابم	به جوی رفته آب آرد شتابم (همان)
رفیق از بهر ره جوید مسافر	بپوشد دیده ز او ره شد چو آخر (ص ۳۲۸)

**نمونه های دیگر:**

(چو لختی گوهر افشانی ز لب کرد: گوهر افشانی استعاره از سخنان دلنشین: ص ۳۲۴)  
 (زلیخا را همان عبری غلامم: عبری غلام استعاره از یوسف ص ۳۲۴)، (چنان از خویش زان رخ بی خبر شد: رخ استعاره از یوسف (ع): ص ۳۲۸)، (تهی زان مرغ شد این آشیانه: مرغ

استعاره از یوسف (ع)، آشیانه استعاره از دل زلیخا: همان)، (به رهرو رهنما باید در آغاز: رهرو استعاره از سالک و رهنما استعاره از یوسف (ع): همان) و غیره...

کنایه ۳۶: مورد معادل ۵/۰۷ درصد

در دیوان خاوری انواع کنایه و تعریض‌ها بسامد بیشتری دارد و این به روحیه نقادانه شاعر بر میگردد. او برخی نصایح و اندرزهایش را در قالب کنایه و گوشه‌زدن و تعریض می‌آورد و در این کار مهارت و استادی ذاتی دارد.

از آن پس گفت ای بانوی شیرین	در آ بر بذله زان لبهای شیرین (ص ۳۲۴)
چو این دولت به رویم در گشاید	ز رویت روشنی بر وی فزاید (ص ۳۲۶)
ز نظم ملک چون پرداخت یوسف	به خلوتگاه خود جا ساخت یوسف (ص ۳۲۴)
منم در دام سودایست فتاده	دل و دین در رهت بر باد داده (همان)
منم در ماتم عزت سیه پوش	تویی باشاهد دولت در آغوش (همان)
به چشم لطف بر رویش نظر کرد	رخ گلگون به آب دیده تر کرد (همان)
بود شه گرچه یوسف برده توست	به خوان مرحمت پرورده توست (همان)
تویی گر نیست قدرت بر قضایش	بجنبان لب به عرض مدعایش (ص ۳۲۶)
چو این دولت به رویم در گشاید	ز رویت روشنی بر وی فزاید (ص ۳۲۶)
چو یوسف را دل از وارستگی کاست	به نخوت آستین افشاند و برخاست (ص ۳۲۸)
دل یوسف از آن اندیشه خون شد	لوای طاقت او سرنگون شد (ص ۳۲۸)

نمونه های دیگر:

(ز مژگان ریخت یوسف بر رخ آتش: کنایه از گریه کردن بر چهره زلیخا ص ۳۲۴)،  
 (به این اندیشه اش دل بود در بند: کنایه از این که دل مشغولی داشت ص ۳۲۶)، (کجا دل  
 از توام در خون تپیدی: کی عاشقت میشدم: همان)، (برون از هر وبالت اختر آمد: از هر  
 بدبختی دور شدن: همان)، (و گر نه مهر غم بر لب گذارم: کنایه از سکوت کردن ص ۳۲۶)  
 (بگفت این و به ره چابک عنان شد: سریع رفت ص ۳۲۸) و....

۴-۲- بدیع لفظی و معنوی:

بدیع	بسآمد شمار	درصد فراوانی
جناس	۵۰	۳/۲۴
تلمیح	۷۰	۴/۵۴
اغراق	۹	۵/۸۴
مبالغه	۲۲	۱۴/۲۸
ایهام	۳	۱/۹۴

--	--	--

**جناس: ۵۰ مورد**

از موارد خاص دیوان، بسامد صنعت جناس و انواع آن است به ویژه در بخش انتخابی دیوان چون قالب شعر مثنوی است بنابراین اصولاً انواع جناس در اکثر بیتها دیده میشود و هنر خاوری در جناس ساختن واژه هاست. که بیشتر جناس اختلافی، اشتقاقی، زاید است.

زلیخا گفت کای کان مروت قوی تر از تو رکن ارکان مروت (ص ۳۲۴)

**تقابل: ۴ مورد معادل ۳/۲**

منم در ماتم عزت سیه پوش تویی با شاهد دولت هم آغوش (ص ۳۲۳)

**ارسال المثل: ۳ مورد معادل ۲/۴**

بلی آینه چون شد بی کدورت شود در وی مصور عکس صورت (ص ۳۲۸)

**تلمیح: ۷۰ مورد معادل ۵/۶**

دیوان خاوری نمونه بارزی از تاریخ انبیا و خاندان آل یس و طه و سرگذشت عشاق بیدل و حماسه آفرینان کربلا و تاریخ و شخصیت های اساطیری است. بخش اعظمی از دیوان وی اختصاص به داستان حضرت یوسف (ع) دارد.

شد از تاثیر عشق بی محابا زلیخا یوسف و یوسف زلیخا (ص ۳۲۷)

**اغراق: ۹۰ مورد معادل ۷/۲**

به برج عالم آرای می دید به تخت حسن و زیبایی شهی دید (ص ۳۲۶)

**مبالغه: ۲۲ مورد معادل ۱۷/۶**

دو مشکین طره در عنبر فشانی به نسرين کرده سبل سایه بانی (ص ۳۲۷)

**ایهام: ۳ مورد معادل ۲/۴**

هلال آسا نزاری قدخمیده روان بر عارضش جویی ز دیده (ص ۲۳۳)

**۵- سطح فکری:** خاوری شاعری افسانه سنج و افسانه گوست. هنر وی در مضمون پردازی است. اینک با انتخاب صد بیت از احسن القصص این موارد و مضامین فکری را مورد تحلیل قرار داده ایم:

مضامین فکری	بسآمد شمار	درصد فراوانی
مضامین عاشقانه	۸۴	۵۸/۳۳
مضامین عارفانه	۱۹	۱۳/۱۹
مضامین اجتماعی اخلاقی	۱۱	۷/۶۳
مضامین فلسفی	۴	۲/۷۷



۱۸/۰۵	۲۶	مضامین اعتقادی و دینی
-------	----	-----------------------

۵-۱- **مضامین عاشقانه:** یکی از مضامین مهم دیوان خاوری پرداختن به عشق حقیقی و پرهیز از عشق مجازی.

**شکایت از معشوق یا ممدوح:** ۸ مورد

خاوری شاعری ناقد و نکته‌سنج است و همواره شکواییه‌های او در دیوان به این شکل است: ۱- شاکی بودن از حاکمان و برخی وزرا ۲- ، شکایت از برخی اقران و شاعران ۳- شکایات شخصیت‌های داستانی به خاطر مکر و فریب دادن یک‌دگر ۴ شکایت دوری از وطن (کاشان و آذربایجان) ۵- شکایت از رنج راه سفرهای زیارتی و سیاحتی

من آنم کز وطن دورم تو کردی / به نام ننگ مشهورم تو کردی (ص ۳۲۴)  
**بی وفایی معشوق:** ۴ مورد

ز سر سودای وصل من به در کن / هوای وصل دلدار دگر کن (ص ۳۲۸)  
**پریشان حالی عاشق:** ۵ مورد

منم در دام سودایت فتاده / دل و دین در رهت بر باد داده (ص ۳۲۴)  
**ستمگری معشوق:** ۱۰ مورد

کنون در سر بود سودای دیگر / گرفتار است دل در جای دیگر (ص ۳۲۸)  
**غم و اندوه در فراق یار:** ۷ مورد

هلال آسا نزاری قد خمیده / روان بر عارضش جویی ز دیده (ص ۳۲۲)  
**توصیف جمال معشوق:** ۲۸ مورد

مکلکل افسری بر سر نهاده / دو مشکین طره اش بر پا فتاده (ص ۳۲۸)  
**نیاز عاشق و بی‌نیازی معشوق:** ۶ مورد (آن جا که یوسف بر زلیخا پس از جوان شدن عاشق میشود):

دل یوسف از آن اندیشه خون شد / لوای طراقت او سرنگون شد  
 گرفتش دامن و واپس کشیدش / از آن واپس کشی دامن دریدش (ص ۳۲۸)  
**تواضع عاشق:** ۱۱ مورد

به شاهی گرچه امروز است نامم / زلیخا را همان عبری غلامم (ص ۳۴۴)  
**تعریض به عاشق:** ۲ مورد

زلیخا گفت ای یار یگانه / تهی زان مرغ شد این آشیانه (ص ۳۲۴)  
 کنون از همسری معذور دارم / از این خواهش که داری دور دارم (همان)  
**خود ستایی و مفاخره:** ۳ مورد

من آنم کت به سر گوهر فشاندم      من آنم کت بهمهد زر نشاندم (ص ۳۲۴)  
۵-۲- **مضامین عارفانه:** حاج میرزا معصوم عارفی شاعر است و بر مسالک سلوک واقف، لذا پیوسته لب به دعا دارد و اسما اعظم الهی ورد زبان اوست و همواره واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی را در شعر می‌آورد. از جمله: توحید - کژکول (کشکول) - دعا و اجابت - اسم اعظم - صبر - قناعت - توکل - توبه - تسبیح - حیرت - دعای سحرگاهی - دوری از حجابات و ..

رسیدن به عشق حقیقی: ۱۴ مورد

حقیقت در به رخ چون کرد بازت      چه پروا دیگر از عشق مجازت (ص ۳۲۸)  
قلندری: ۳ مورد

زمانی هوش از او بیگانگی داشت      دلش با بیخودی هم خانگی داشت (ص ۳۲۴)  
حیرت: ۱ مورد

چو از مقصود خود فصلی فرو خواند      ضمان حاجت از حیرت فرو ماند (ص ۳۲۶)  
جذبه: ۱ مورد

اگر این جذبه زین پیشم رسیدی      کجا دل از توام در خون تپیدی (ص ۳۲۸)  
۵-۳- **مضامین اجتماعی و اخلاقی:** خاوری نصایح و اندرزهای خود را همانند سعدی و نظامی در قالب ادب تعلیمی به کار میبرد. نصیحت‌های آموزنده او همراه با نیش و کنایه و گاه با چاشنی‌های عرفانی بیان میکند.  
پند و اندرز: ۸ مورد

به رهرو رهنما باید در آغاز      چو ره طی شد نجویی رهنما باز (ص ۳۲۸)  
تهمت دیدن از مردم: ۱ مورد  
پس آنگه با روانی تهمت انگیز  
وفاکردن به عهد:

به این اندیشه اش دل بود در بند      که آمد حامل وحی خداوند  
که ای یوسف به عهد خود وفا کن      بدون حجتش حاجت روا کن (ص ۳۲۶)  
۵-۴- **مضامین فلسفی و کلامی:**

جبر: ۲ مورد

نه من از خود از این پس آن اویم      که بگشاد این در دولت به رویم (ص ۳۲۸)  
عجز از دخالت در امور الهی: ۲ مورد

۱-ن.ک مقاله "برخی ظرافتهای بلاغی و معنایی در سخن سعدی"، مجد: ص ۱۰۹-۱۲۶

که این حاجت روایی حد کس نیست کسی را بر اجابت دسترس نیست (ص ۳۲۶)  
**۵-۵- مضامین اعتقادی و دینی:** خاوری شاعر و عالم دینی است و دیوان او سرتاسر توجه به دستورات قرآنی میباشد. او در دیوان سعی دارد همواره به انجام فرایض و مستحبات و دروی از محرّمات بپردازد. از جمله: پرهیز از نفسانیات - توبه - شفاعت چهارده معصوم (ع) - عقوبت گناهان - پاداش نیکوکاری و خدمت به خلق بپردازد.

#### سوگند! ۲ مورد

از ویژگیهای بارز دیوان خاوری سوگند است. خاوری در جای جای اشعارش معتقد است که اکثر انبیا و الهی (ع) برای رفع اندوه و پذیرفته شدن دعاهایشان نام چهارده معصوم (ع) که جملگی در لوح الهی مرقوم است را بر لبان میرانند و شفاعتشان را میکرده است. از جمله سوگندهای حضرت یعقوب (ع) و حضرت یوسف (ع) و...

کریم بن کریمش خورد سوگند به آن یکتا که خوانندش خداوند (ص ۳۲۶)

#### عقوبت "پاداش گناه" ۲ مورد

جایی که زلیخا جوان میشود و یوسف را عاشق میکند :

که روزی گر منت دامن دریدم به پاداش گناه خود رسیدم (ص ۳۲۸)

#### تذهیب و تزکیه نفس: ۵ مورد

چو گردد آب ز آرایش مصفا بود در وی رخ بیننده پیدا (ص ۳۲۸)

#### دوری از عشق مجازی و توبه پذیر بودن خداوند: ۱۵ مورد

زلیخا را چو شد پاک از غرض دل در آن معشوق اصلی کرد منزل

به رخ از بزم غیبش در گشودند رخ از محبوب لاریش نمودند (ص ۳۲۸)

#### نتیجه گیری:

\*بررسی گذرا و محدود ما در این مقاله نشان میدهد:

۱- خاوری کوزه کنانی از داوران و سخن سنجان انجمن ادبی صبا و انجمن ادبی خاقان بوده است و زبان و فکر شاعر محصول هم صدایی شاعران مطرح آن زمان در بازگشت کردن به سبک های گذشته بود و انجمن ادبی در آن روزگار به عنوان نهادی است که برای اولین بار در تاریخ شعر فارسی دری خود را موثر و راهگشا نشان میدهد.

۲- زبان شعر خاوری مثل بیشتر شاعران عصر بازگشت ساده و پخته و روان و البته متأثر از شعر قرن ششم به بعد است .

۱ - قسم خوردن در شعر به گونه ای متأثر از شخصیت مذهبی شاعر است.

۳- در شعر خاوری برخی مختصات (آوایی، لغوی، نحوی) سبک خراسانی دیده میشود و به لحاظ زبانی سبک شعر خاوری تقلید از سبک خراسانی و سبک عراقی است و الهاماتی از سبک آذربایجانی که در نوع خود کم نظیر است.

۴- دلیل عمده زبان ساده و نه چندان برجسته شعر دوره بازگشت میتواند این باشد که همه آنان در وادی تقلید قرار دارند و به این جهت شعر همه یکسان و نزدیک به هم است. گویی شعرها همه یکسان تحریر یافته اند مگر در شکل ظاهریشان که با رنگ و مرکب متفاوتی نوشته شده اند.

۵- مذهبی بودن شعر خاوری، دیوان او را بگونه ای منحصر بفرد و شایان یاد کرد، قرار داده است.

۶- خاوری مهاجرت کسانی مانند کلیم از همدان - وحشی از یزد - طالب از آمل و یغما از جندق را در ذهن خود داشته، که کاشان را برای اقامت کرده است که در سبک شخصی و سبک شعری او به لحاظ مختصات زبانی و فکری و ادبی تأثیر به سزایی داشته است.

۷- هر چند اشعار خاوری نسبت به هم عصرانش از ابهام و پیچیدگی به دور است، ولی با وجود این ضمن داشتن برخی ویژگی‌های خاص و ترکیبات زیبا و نادر و کاربرد لغات به سبک خراسانی و عراقی و شیوه آذربایجانی و اینکه شاعری انجمنی بوده، در کاشان شعر او را از گونه ای دیگر کرده است و همه این موارد نه تنها ویژگی‌های زبانی او را نشان میدهد بلکه در سبک شخصی وی نیز تأثیرات بسزایی دارد که همین مورد توانسته شعر خاوری کوزه کنانی را در بین هم‌نوعان خود به شیوه‌ای خاص و برجسته نشان دهد.

#### فهرست منابع:

##### - کتابها:

- احسن القصص (یوسف و زلیخا)، خاوری کوزه کنانی، میرزامعصوم، شماره ۸۷۹۱۸، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران.
- احسن القصص (یوسف و زلیخا) خاوری کوزه کنانی، شماره ۴۸۲۵، کتابخانه ملک، تهران.
- از سیستان تا تهران (سبک‌شناسی شعر فارسی)، مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۹۷)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، کاشان.
- الذریعه، آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۳۳۲)، بخش اول از جلد ۹، پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- با کاروان حله (مجموعه نقد ادبی)، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، انتشارات علمی، تهران.

- پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، انتشارات علمی، تهران.
- تاریخ ادبیات در دوره بازگشت ادبی (از سقوط صفویه تا استقرار مشروطه)، خاتمی، احمد (۱۳۷۳) جلد اول، انتشارات پایا، تهران.
- تاریخ ادبیات فارسی، اته، کارل هرمان (۱۳۵۶) مترجم رضازاده شفق، بنگاه و نشر و ترجمه کتاب، تهران.
- تذکره اختر، گرجی نژاد تبریزی، احمد (۱۳۴۳)، به کوشش ع. خیام پور، چاپخانه شرکت چاپ کتاب آذربایجان، تبریز.
- تذکره انجمن خاقان، گروسی، فاضل خان (۱۳۷۶)، با مقدمه دکتر توفیق سبحانی، روزنه، تهران.
- تذکره خطی ثمر، ثمر نائینی، محمدحسین، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۹۸، تهران.
- تذکره خطی زینه المدایح، هما مروزی، محمد صادق (۱۲۶۵)، متعلق به کتابخانه شخصی استاد حسن عاطفی، کاشان.
- خسرو و شیرین، نظامی، الیاس (۱۳۸۴) به کوشش دکتر سعید حمیدیان، براساس نسخه وحیدی دستگردی، نشر قطره، تهران.
- دانشنامه ادب فارسی، انوشه، حسن (۱۳۷۵)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- دانشنامه زبان و ادب فارسی، سعادت، اسماعیل (۱۳۸۴) "مدخل بازگشت ادبی"، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- دانشمندان آذربایجان، تربیت، محمدعلی (۱۲۳۵)، به کوشش سیروس قمری، کتابخانه فردوسی تبریز، تبریز.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی، دادبه، اصغر، (۱۳۸۱)، زیر نظر کاظم بروجردی موسوی بجنوردی، "مدخل بازگشت ادبی"، جلد ۱۱، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- دیوان خاقانی، خاقانی شروانی، بدیل، (۱۳۸۲) به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی، انتشارات زوار، تهران.
- دیوان خاقانی، خاقانی شروانی، بدیل، (۱۳۷۵)، ویراسته دکتر میر جلال الدین کزازی، نشر مرکز، تهران.
- دیوان فلکی شروانی، فلکی، نجم الدین محمد (۱۳۴۵) به اهتمام و تحشیه و تصحیح طاهری شهاب، انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران.
- دیوان عثمان مختاری، عثمان (۱۳۸۲) به اهتمام جلال الدین همایی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

- ریاض العارفین، هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۵)، با مقدمه و تصحیح، تعلیقات ابوالقاسم رادفر- گیتا اشیدری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- شاهنامه فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۵) ناشر کمال اندیشه، تهران.
- زندگی نامه سیداحمد فخرالواعظین خاوری کاشانی، نراقی، حسن (۱۲۵۶)، انتشارات گوتنبرگ، تهران.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، ویرایش دوم، نشر میترا، تهران.
- سفینه‌المحمود، قاجار، محمود میرزا (۱۳۴۶)، تصحیح و تحشیه دکتر ع. خیام پور، جلد دوم، دانشکده ادبیات تبریز (موسسه تاریخ و فرهنگ ایران)، تبریز.
- سیری در شعر فارسی، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۳)، چاپ چهارم، ویرایش اول، سخن، تهران.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صدرایی خویی، علی (۱۳۷۶)، جلد ۳۸، مجلس شورای اسلامی، تهران.
- فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، فاضل هاشمی، سید محمدرضا (۱۳۸۰)، جلد ۱۷، انتشارات کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد.
- فرهنگ معین، محمد (۱۳۷۸) چاپ چهاردهم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کلیات امیر معزی، معزی نیشابوری، محمد، (۱۳۶۲) انتشارات مرزبان، تهران.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، انتشارات فردوس، تهران.
- کلیات سعدی، سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۷۷) با مقدمه عباس اقبال، تصحیح محمد علی فروغی، نشر محمد، تهران.
- لغات و ضرب‌المثل‌های کاشانی، عاطفی، حسن (۱۳۸۶) به کوشش افشین عاطفی، نشر مرسل، کاشان.
- لغت نامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) چاپ اول از دوره جدید، با همکار نشر روزنه.
- مجموعه نفیس خطی (دیوان)، خاوری کوزه‌کنانی، میرزا معصوم، به شماره ۱۰۳۶۹، کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد.
- نگارستان دارا، دنبلی، عبدالرزاق (مفتون) (۱۳۴۲) جلد اول، به کوشش دکتر ع. خیامپور، تبریز.
- مقالات:
- افشار، ایرج، یوسف و زلیخای خاوری یا احسن‌القصص، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، تابستان (۱۳۴۳)، شماره ۶۹، ص ۲۵۷-۲۶۰.

- بهار، محمدتقی، معرفی خاوری کوزه‌کنانی، ارمغان، دوره ۱۳، شماره ۷، ص ۴۴۱-۴۴۸ و ص ۵۱۹-۵۲۶ و شماره ۱۰- ص ۷۱۳-۴۲۰.
- سپهرنژاد، نرجس، هلال محرم (زندگی و آثار حاج میرزامعصوم خاوری کوزه‌کنانی و نگاهی به ترکیب بند عاشورایی او، فصلنامه تخصصی ادبیات و اسطوره‌ت‌ریا، سال چهارم، شماره هشتم، بهار (۱۳۹۲)، ص ۴۵-۵۱.
- جلالی، نادره، شایسته‌ها و بایسته‌های نشر (رسالات محمدمیرزا قاجار)، آینه میراث، بهار (۱۳۸۰) شماره ۱۲، ص ۱۱۵-۱۱۸.
- حکیمیان، ابوالفتح، شاهزادگان سخن پرداز ایران، مجله هنر و مردم، اسفند (۱۳۵۳)، شماره ۱۴۹، ص ۹-۱۹.
- عاطفی، حسن، فر جوانی گرفت طفل رضیع بهار، مجله حافظ، نیمه دوم اسفندماه (۱۳۸۴)، شماره ۲۶، ص ۱۶-۱۷.
- دوات آبادی، عزیز، سخنوران ارونق و انزاب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، پاییز ۱۳۴۶، شماره ۸۳، ص ۳۲۱-۳۲۴.
- مروزی، محمدصادق، در مسند وقایع نگاری، مجله علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، بهار (۱۳۸۴)، شماره ۵۳، ص ۶۱-۸۲.
- مجد، امید، برخی ظرافتهای بلاغی و معنایی پنهان در سخن سعدی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (۱۳۹۳) سال ششم، شماره ۲۱، ص ۱۰۹-۱۲۶.
- \_\_\_\_\_، نگاهی به سبک شعری شعرای آذربایجانی عهد قاجاریه با اتکا به تذکره بهجت الشعراء، پژوهشهای ادبی و بلاغی (بهین نامه سابق) سال اول (۱۳۹۱) شماره اول، ص ۱-۱۹.
- نیکوهمت، احمد، خاندان خاوری، مجله وحید، نیمه دوم شهریور و نیمه اول مهر (۱۳۵۷)، شماره ۲۴۰ و ۲۴۱، ص ۷۵-۸۰.